

خانواده و امتحانات

خانواده‌ها در مورد آمادگی
عکس‌العمل خانواده‌ها در بر

آقای کریم بازیار - خانم ناهید ایران پزشکی -
آقای دکتر علیرضا حکمت - آقای شایسته - آقای
علیمحمد شاملو - خانم همدم قراگزلو - آقای سیدجعفر
قدس - خانم زریندخت مشکور - آقای اسماعیل
مرتضوی برازجانی - آقای محمد مهدی مدنی - آقای
سید جمال‌الدین سیرفخرانی - آقای سرهنک یزدان‌ستا.

دستور جلسه

در آغاز جلسه خانم دکتر آصفه آصفی، پس از
تشکر از حضور خانمها و آقایان شرکت‌کننده در
جلسه، اظهار امیدواری کردند با گفتگوهائی که
پیرامون مسأله مورد بحث صورت می‌گیرد، نتیجه

عصر چهارشنبه، اول خردادماه، جلسه میزگردی
در محل مرکزی انجمن ملی اولیاء و مربیان ایران،
با حضور عده‌ی از استادان دانشگاه، متخصصین -
تعلیم و تربیت، مدیران مدارس، رؤسای انجمن‌های
همکاری‌خانه و مدرسه، مربیان و اولیاء دانش‌آموزان
تشکیل گردید .

دستور این جلسه که در ساعت پنج و نیم بعد از ظهر
با حضور خانم دکتر آصفه آصفی، رئیس هیأت مدیره
و مدیر عامل انجمن تشکیل گردید، «خانواده و -
امتحانات» بود. شرکت‌کنندگان در جلسه بترتیب
حروف الفبا عبارت بودند از :



امتحانات چه وظایفی دارند ؟

امتحان بچه‌ها چه باید باشد ؟

مفیدی برای دانش‌آموزان و خانواده‌ها حاصل گردد و توصیه شود .

دستور جلسه «خانواده و امتحانات» بود و دو

مورد زیر، از مسأله مورد بحث تفکیک شده بود :

۱ - وظایف خانواده در مورد آمادگی و ایجاد

تسهیلات برای بچه‌ها بمنظور شرکت در امتحانات

۲ - نقش خانواده در برابر نتیجه امتحانات -

فرزندان .

برنامه امتحانات

آقای محمد مهدی مدنی، با اشاره به دستور

جلسه، اظهار داشت که من درباره خود امتحانات

هم لازم می‌بینم صحبت کنم . نحوه انجام امتحانات هم دارای نواقص و عیوبی هست . ابتدا این نقص در تنظیم برنامه امتحانات بیستم می‌خورود . برنامه امتحانات میبایست منظم و مرتب باشد و بعد امتحان بعمل آید . آئین‌نامه دروس و مطالب کتابها و - برنامه‌های هفتگی میبایست درست تنظیم شود . بنظر من مقداری از دروس بیفایده است . مثلاً هفته‌یی سه ساعت کاردرستی گذاشته‌ایم . البته کاردرستی به معنای واقعی خوبست، اما وقتی کارگاه نداریم، این تنها به آن معنی میشود که نمره آن کمکی به دانش‌آموز بکند . نحوه امتحانات هم میبایست اصلاح شود . مسأله انتخاب معلم و رویه فکری و روش او نیز مهم است . معلمی هست که با دقت امتحان می‌کند، و معلمی نیز هست که رأفت نشان می‌دهد و همه شاگردانش را قبول می‌کند . چنانکه مشاهده می‌کنیم چند معلم یک درسی را تدریس می‌کنند، اما دریک کلاس . ۵۰ درصد و در کلاس دیگر . ۳۰ درصد از شاگردان قبول می‌شوند، در حالیکه شاگردان دریک سطح هستند . این نقصی است که امروز در مدارس وجود دارد . حالا باید دید چگونه میبایست برنامه را تنظیم کرد که این وضع پیش نیاید .

خانم دکتر آصفی - منظور اینست که هماهنگی در امتحانات وجود ندارد .

نحوه امتحانات درست نیست

آقای مدنی در دنباله سخنان خود گفت : بعد،

مسأله سؤال مطرح می‌شود . مثلاً یک دبیر فیزیک

یا شیمی، پرسشی را به شاگردان می‌دهد که دو

ساعت وقت می‌خواهد تا پاسخ آنرا بنویسند، در -

حالیکه دبیر دیگری، سؤالی می‌دهد که با ۵ دقیقه

میتوان جواب آنرا نوشت . سپس، مسأله تصحیح اوراق

است، که بعضی از معلمان بطور دقیق تصحیح می‌کنند

و بعضی سطحی . گرچه آئین‌نامه تصریح کرده است

که هر برگ امتحانی رادو معلم باید تصحیح کند ،

اما آیا عملاً این دستور اجرا می‌شود؟ ... متأسفانه

مشاهده می‌کنیم معلم اول تصحیح می‌کند و معلم



دوم تنها یک امضاء پای ورقه می‌گذارد، مگر آنکه به‌بیند ورقه بسیار ناجور است. بنظر من اوراق را باید جایجا کرد، مثلا اوراق دانش‌آموزان یک مدرسه را، برای تصحیح به معلمان مدرسه دیگر بدهند.

اما در مورد وظایف و نقش خانواده من از خودم بگویم. هنگامیکه امتحانات پایان می‌رسد و نتایج اعلام می‌شود، در قبولی‌ها که بحثی نیست. اما در روبرو شدن با مردودین، روش و رفتارم، با زمانی که مدرسه جریان داشت، فرق می‌کند. در این شرایط شاگرد ناراحت است و شکست خورده. اگر دریافتم کمکی نمیتوان به او کرد، به او می‌گویم: «فعلا برو تا من بار دیگر نمرات را کنترل کنم. مثل اینکه دلخواه نیست.» باین ترتیب شاگرد یک ضربه - کوچک می‌خورد. در دیدار بعد، باز هم با او صحبت می‌کنم، و توجهش می‌کنم که مردود شدن شکست کلی زندگی نیست. باید رفت، زحمت کشید، درس خواند و این شکست را که موقتی است، جبران کرد. سپس پدرش را می‌خواهم و با او صحبت می‌کنم که فرزندش را سرزنش سخت نکند، بطوریکه خدای ناکرده اعمالی از او سر بزند، که نتوان جبران کرد. بعد از انجام این برنامه، وظیفه پدر و مادر است که با اولیاء مدرسه مشورت کنند که با فرزندانش خود چگونه رفتار کنند.

وظایف خانواده

آقای مرتضوی برازجانی اظهار داشت:

در واقع امتحان، یعنی امتحان دانش‌آموز و معلم، زیرا چه بسا مردود شدن شاگرد، معلول نارسائی معلم هم باشد. آنچه آقای مدنی بیان کرد، اساسی است. برنامه، تعداد شاگردان، حتی سالم بودن صندل‌سی کلاس، همه اینها باید درست و دلخواه باشد، تا برسیم به امتحان. امتحان عبارتست از نمونه‌گیری آنچه که معلم تعلیم داده و آنچه که شاگرد فرا گرفته است. من در مورد وظایف خانواده که در امتحانات فرزندانش چه کاری باید انجام دهد، از خود می‌گویم. من ابتدا از فرزندم خواستم که برنامه امتحانش را

بیاورد. مراقبت کرده و می‌کنم، سعی دارم که او یک برنامه آمادگی برای خود تنظیم کند، که او را خسته هم نسازد تا بازده کارش کم شود. بنظر من اینکه دانش‌آموزان در پایان سال زیاد درس می‌خوانند دلیلش آنستکه در وسط سال نخوانده‌اند.

بهرحال، من برنامه‌یی برای فرزندم تنظیم کرده‌ام که بطور متعادل درس می‌خواند. گاهی پس از مدتی درس خواندن، از او می‌پرسم چنانچه خسته شده، مثلا به او بستنی بدهم. بطور کلی من چند پیشنهاد برای خانواده در امتحانات فرزندانش دارم:

- ۱ - در دست داشتن برنامه امتحانات، که برای او برنامه مطالعه تنظیم کنند

- ۲ - ایجاد محیط مناسب. یعنی در شبهای امتحانات، به سهمانی نروند، در خانه خود مهمانی برگزار نکنند، از ایجاد سر و صدا و دعوا و جنجال بپرهیزند، در ساعاتی که فرزندانشان درس می‌خوانند رادیو و تلویزیون را خاموش کنند و نوار و صفحه موسیقی نگذارند. به‌رحال محیطی مناسب درسی خواندن بوجود آورند

- ۳ - در درس خواندن فرزندانش، اندازه‌نگهداری داشته باشند. نگذارند آنقدر بچه درس بخواند که ذهنش خسته شود و یا به سلامتی‌اش لطمه وارد آید

- ۴ - پدر و مادر در آنجا که ناتوانی و نارسائی احساس می‌کنند، البته در صورت توانائی، به کمکش بشتابند.

وقتی که این واقعیت‌ها انجام شد و نتیجه امتحانات اعلام گردید، اگر رضایتبخش بود، که مبارک است، اما اگر نقصی دیدیم، در اینباره هم پیشنهادهایی دارم. اول، نقش خونسردی است. خود را عصبانی جلوه ندهیم و عدم رضایت زیاد نشان ندهیم و به رخ فرزند بکشیم. خود را فقط در حد غمخواری متأثر نشان دهیم. از سرزنش و ناراحت کردن شاگرد بپرهیز کنیم. باید تسلی خاطر هم به او داد. باید به او گفت زندگی کام و ناکامی دارد و

فرصت هم در دست هست. مثلا چنانچه تجدیدبیت باید گفت: «انشاءالله شهبور قبول می‌شوی.» و نیز باید باو گفت که «۹۰ درصد موفقیت درنبرد، روحیه سرباز است.» ما باید روحیه شاگرد را زنده نگاه داریم و در فرصت تابستان، مشوق و مددکارا و شویم، تا موفق شود.

پس از این دو، بجاست که با اولیاء مدرسه ملاقات کنیم. یکی از این جهت که اطمینان پیدا شود ورقه‌ها درست تصحیح شده یا خیر. زیرا پیش آمده است مثلا شاگردی درپشت دو صفحه مطلب که قابل توجه نبوده، دو سطر نوشته که بسیار حرفها در آن بوده است. حتی ممکنست درسریگ مطلبی را که میخواهیم نوشته باشد. من خود شاید صدها شاگرد را با همین دقت از ناراحتی نجات دادم. نفع دیگر این ملاقات پدر یا مادر با اولیاء مدرسه، اینست که وقتی دریافت حقی ضایع نشده، دیگر غیبت معلم را نخواهد کرد و به معلم بد نخواهد گفت.

سوم پس از اینکه یقین یافتیم نارسائی از بچه‌ها بوده، باید چاره‌جویی کنیم. من در موقع شکست دانش‌آموزان در امتحان به دو گروه برخورد کرده‌ام. یکی کمبود معلومات، و دیگر اشتباهی و یا هراس از امتحان، که در مورد اخیر میبایست باشاگرد مباحثه روانی کرد و در او روحیه تسلط بر اعصاب و دوری از هراس و ناچیز شمردن امتحان ایجاد کرد.

همچنین این را باید دانست که مردودی در امتحان، معلول است و علت ممکنست زیادی تعداد شاگردان، نارسائی معلم، نابسامانی وضع شاگرد، و یا نامناسب بودن محیط مدرسه از لحاظ دوستان و همکلاسان باشد. میبایست بررسی کرد و دریافت که این معلول منتسب بیکی از این علل و یا جمع این علل است، و حتی اگر مقتضی باشد، مدرسه شاگرد را تغییر داد.

امتحان است یا معما است ؟

خانم ناهید ایران پزشکی، با ذکر این مطلب که مسأله را از دو نظر نگاه، یکی رئیس دبیرستان و دیگر یک مادر، مورد بررسی قرار می‌دهد، اظهار داشت: اولین اشکالی که طی ۱۴ سال داشتن ریاست دبیرستان با آن مواجه بوده‌ام، اینست که امتحانات ما بصورت جدول و معماست. بطور تصادفی، فرزند خودم در نلث اول بعلت بیماری یعنی عذر موجه موفق به شرکت در امتحان نشد. این بیماری طولانی گردید، بطوریکه معلم نمره نلث اول و دوم او را یک گذاشت. حالا در نظر بگیرید، که اگر خانواده هم کمک کند و این شاگرد در امتحان خرداد نمره بیست بگیرد، باز هم مردود است، بنظر من اگر شاگرد در نلث سوم تمام کتاب را امتحان داد و نمره ۱۲ گرفت، باید قبول شود. از طرفی، تفاوتی که در روش معلمان بچشم می‌خورد، در روحیه شاگردان مؤثر است.

مثلا معلمی را مشاهده می‌کنیم که در طول هفته، از شاگردان پرستی می‌کند، اما معلم دیگری هست که تنها در امتحان از شاگرد می‌پرسد. در اینجاست که نقش خانواده به پیشرفت شاگرد کمک می‌کند. یعنی پدر و مادر باید برنامه درس فرزندان شان را در اول سال بگیرند و ترتیبی دهند که شاگرد درس خود را بخواند و پیشرفت کند.

خانم دکتر آصفه آصفی، در پاسخ خانم پزشکی گفتند: آنچه گفته شد درست است، اما متأسفانه اغلب خانواده‌ها عادت ندارند که در طول سال به مدرسه فرزندان شان مراجعه کنند و از وضع او آگاه شوند. تنها در پایان سال اگر فرزندان شان رده شده باشد به مدرسه می‌روند و اعتراض می‌کنند که چرا رد شده است. البته، این مسأله‌ی است که میبایست در جای خود در باره آن بحث کرد. اما نظر اینست که فعلا که در پایان سال تحصیلی هستیم خانواده‌ها چه باید بکنند.

خانم پزشکی در دنباله سخنان خود اظهار

می‌کنیم که ایجاد محیط مناسب برایشان مقدور نیست. مثلاً اتاق جدائی برای فرزندان که به مدرسه می‌رود ندارند، و بچه کوچک هم دارند و به‌رحال خانه شلوغ است. اخیراً خواندم که دستور داده‌اند کتابخانه‌ها تا نیمه‌شب باز باشد و محصلین در کتابخانه‌ها مطالعه کنند. اگر کنترل دقیق باشد و خانواده‌ها مطمئن باشند، اشکالی در پیاده کردن این برنامه نیست.

تحقیق انجمن :

خانم دکتر آصفه‌آصفی، با اشاره به نوجوانان و جوانانی که در خیابانها تا اواخر شب به درس خواندن مشغول می‌شوند، گفتند: سال گذشته، انجمن ملی اولیاء و سربران درباره دانشجویان و دانش‌آموزانی که در خیابانها و پارکها پتوپین می‌کنند و به درس خواندن مشغول می‌شوند تحقیق کرد و متأسفانه به این نتیجه رسیدیم که هشتاد تا نود درصد این نوجوانان و جوانان خانه و زندگی مرتبی دارند و حتی درخانه‌شان ه اطاق هم هست. این گناه متوجه اولیاء خانواده است. می‌توانند بچه‌های کوچک‌را از فرزندان‌شان که محصل هستند، جدا کنند و برای آنها محیط مناسب بوجود آورند.

از طرفی، دوه‌سه هفته پیش برای انجام کاری یکی از مدارس جنوب شهر رفتم. به‌راهنمایی رئیس مدرسه یکی از کلاس‌ها رفتم. متأسفانه مشاهده کردم در کلاس کوچکی که هشتاد تا نودشاگرد داشت، خانم معلم بردیچه کلاس نشسته بود و کاموا می‌بافت، بچه‌ها راهم به‌امید خدارا کرده بود...

پدر و مادرها چه باید بکنند؟

آقای بازیار، پس از تأیید سخنان خانم دکتر آصفی و آقای سرتضوی برازجانی اظهار نظر کرد که لازمت اولیاء منزل، از ابتدای سال برنامه درسی فرزندان خود را بگیرند و او را وادارند که بطور مرتب مشق خود را بنویسد و درش را بخواند. از

داشت: از جمله نکاتی که در استخوان شاگردان مؤثر است، اینست که خانواده‌ها سعی کنند این روزها فرزندان خود، بخصوص دختران را خودشان به‌مدرسه ببرند تا از ایجاد عواملی که ممکنست آنها را ناراحت کند، و یا در سر جلسه امتحان افکارشان را بخود مشغول دارد، جلوگیری شود. همچنین دقت کنند که در روزهای امتحان به فرزندان غذاهای پرانرژی بدهند، و از غذاهای سنگین که بچه را از آزاد فکر کردن باز می‌دارد، بپرهیزند. در مورد نقش خانواده پس از امتحان معتمد می‌بایست در فرزندان اعتمادبنفس بوجود آورد و آنها را راهنمایی کرد، نه‌آنکه خون‌سردی‌شان داد و در بچه‌ها بی‌تفاوتی بوجود آورد. من آمار دارم که بیشتر شکست خورده‌ها در امتحانات از خانواده‌های ازهم گسیخته‌اند.

یک چیز که الان بخاطر آمد و لازم است بگویم اینست که متأسفانه بعضی از معلمان ما، با اینگونه طرز تفکرند که وقتی برای نظارت و مراقبت بر امتحان می‌روند، می‌گویند «می‌رویم دزد بگیریم!» به آنها گفتم بگوئید: «می‌رویم سرپرستی و راهنمایی کنیم» این را باید بپذیریم که واقعاً بعضی از شاگردان هستند که برای بیان مطلبی که از آنها پرسش می‌شود، کلمه اول را می‌خوانند و اگر آن کلمه به آنها گفته شود بقیه را خواهند گفت. من راهنمایی‌های کوچک برای عموم شاگردان و یا شاگرد بخصوص در سر جلسه امتحان را می‌پسندم.

آقای محمدسهدی‌مدنی، در باره نقش خانواده گفت: از جمله وظایف خانواده یکی گرفتن برنامه امتحانات فرزندان و تنظیم صحیح درس خواندن است برنامه را باید تقسیم‌بندی و با بچه صحبت کرد. اگر درسی را بچه هیچ نمیدانست، آنرا برای شهریور بگذارد و تلاش خود را روی درس دیگر متمرکز کند. وظیفه دیگر خانواده ایجاد محیط مساعد برای فرزند است. البته به بعضی خانواده‌ها برخورد

طریقی هم هر سه روز یکبار با معلم و دبیران فرزندانشان صحبت کنند و به بینند چه نارسائی‌هایی هست و آنرا رفع کنند. اگر این روش را در پیش گیرند شاگرد چنان آمادگی پیدا خواهد کرد که برای امتحان دچار هراس نخواهد شد. در روزهای امتحان هم باید با بچه‌ها به مهربانی رفتار کرد. از ایجاد سروصدا و روشن کردن رادیو و تلویزیون پرهیز نمود. من یازده فرزند دارم و آنچه می‌گویم تجربه‌ایست که در تحصیل فرزندانم کسب کرده‌ام این روزها با همین روش آنها درس می‌خوانند البته ساعتی معین را به مطالعه می‌پردازند، و بعد دو روزه می‌نشینیم و به گفتگو و خنده می‌پردازیم. در مورد اینکسه پس از امتحان در مقابل فرزندان چه روشی داشته باشیم، باید بگویم چنانچه بچه‌ای رفوزه یا تجدیدی شد، باید با خون سردی توأم با تألم به او فهماند که زندگی همینطور است. انسان زمین می‌خورد، و میتواند دوباره برخیزد.

آقای علی محمد شاملو اظهار داشت: من شاگردی دارم که هشت نفر در یک اطاق زندگی می‌کنند. آنها وقتی هم که به کتابخانه می‌روند، گاه کتابهایی در دستشان قرار می‌گیرد و به مطالعه می‌پردازند که بدرشان نمی‌خورد، اصولاً نواقصی بین کارآموزش و پرورش و گرداندگان این کتابخانه‌ها هست. برداشت شاگردان از این کتابها درست نیست.

خانم دکتر آصفه آصفی، در پاسخ آقای شاملو گفتند: اصولاً برداشت هر کس از هر کتاب بادیگری و در سنین مختلف متفاوت است. این معلم است که بیایست شاگرد را توجیه و راهنمایی کند.

آقای شاملو اظهار داشت: در قانون هست که ما در دوره راهنمایی امتحان بعمل نیاوریم و همان نمرات طول ماه، نمره شاگرد باشد.

خانم پزشکی، گفت: در اینصورت برای دوره راهنمایی مشکلی نیست.

آقای شاملو: در خانه‌هایی که اتاق کم دارند، اگر در ساعاتی که فرزندان مطالعه می‌کند، پدر و

آقای سرهنگ بزدان‌ستا ، نیز پیرامون وظایف معلمان و دبیران مطالبی بیان داشت و پیشنهاد کرد سربان هم با بچه‌ها رفتاری دوستانه داشته باشند .
پیشنهادات و توصیه‌ها :

دهند . شاید هم مفید باشد که در ابتدای جلسه امتحان یکی از اعضای هیأت ژوری ، دو ، سه دقیقه صحبت کند و بچه‌ها را آماده سازد که از امتحان نترسند . یکی دیگر اینست که بچه‌ها شب تا دیر هنگام درس می‌خوانند ، و بهتر است شب زودتر بخوابند و صبح زود از خواب برخیزند و درس بخوانند . همچنین پیشنهاد می‌کنم در رادیو و تلویزیون به پدر و مادرها توصیه شود در امتحانات با فرزندان خود چه رفتاری داشته باشند و در سینماها با چند سطر آگهی پیشنهادهای این جلسه را منعکس کنند ، زیرا وقت کوتاه است و ما لازمست بهر ترتیب توصیه‌ها را به اطلاع پدر و مادرها برسانیم .

خانم پزشکی ، اظهار داشت : در تأیید پیشنهاد آقای دکتر حکمت‌خاطره‌یی بیادم آمد ، و آن اینکه یکی از دبیران ما در بالای ورقه امتحانی نوشته بود : آرزومند موفقیت شما ، و نام خود را زیر این جمله ذکر کرده بود ، و این عمل در روحیه شاگردان تأثیر خوبی داشت .

آقای سیدجمال‌الدین میرفخرائی ، نیز ضمن تأیید پیشنهادهای بیان شده ، پس از ذکر خاطره‌یی

لطفاً صفحه ۸۱ را مطالعه فرمائید

آقای دکتر علیرضا حکمت ، با تأیید پیشنهادهای عملی که مطرح شد ، اظهار داشت : من بی‌سی‌برم که این انجمن جای مفیدی برای این بحث‌ها هست و خوشبختانه نتیجه هم گرفته میشود . من پیشنهادهایی را که بیان شد تأیید می‌کنم ، و در اینمورد هم تأکید دارم که پدر و مادرها در این شبها از شب - نشینی‌ها و پارتی‌ها حذر کنند . تلویزیون را ، خصوصاً در وقتی که برنامه‌های نامساعد برای بچه‌ها دارد ، روشن نکنند . ضمناً به این پیشنهادها اضافه شود ، در این شبها که بچه‌ها دوستان و همکلاسانشان را به منزل می‌آورند که باهم درس بخوانند دقت شود این دوستان چگونه هستند . چنانکه ناظر بودم در یکی از این جلسات درس خوانی درس و مطالعه تبدیل به موزیک جاز شد . باین دلیل معتقدم که باید در اینمورد هم دقت داشت ، زیرا ممکنست کسی که برای درس خواندن بافرزند ، بخانه آمده ، معاشر بدی باشد . پیشنهاد دیگرم به هیأت متحنه این است که بچه‌ها را دلگرمی



● مراسم پایان ششمین دوره کلاسهای

ضمن تدریس

۸ - ایجاد زمینه بحث و گفتگوی همسالان و در میان گذاشتن اشتباهات خود با اولیاء و مربیان

۹ - آگاه ساختن آنها به خطاهای اشتباهاتشان بطور غیر مستقیم و راهنمایی صحیح

۱۰ - گوش دادن به درد دل آنها و آوردن

مثالهای مناسب و خوب برای تقویت روحیه

۱۱ - در دسترس گذاشتن کتابهای سودمند و مفید و قائل شدن حداکثر ۳۰ و حداقل ۲۰ شاگرد برای هر کلاس درس .

۱۲ - برآوردن قولی که مربی یا معلم به شاگرد می دهد، با توجه به نیازهایی که دارد .

امتحانات و خانواده

از دوران تحصیل خود لزوم توجه به مدیریت براساس روابط انسانی را یادآور شد و اظهار داشت که این مدیریت براساس روابط انسانی میبایست در مدرسه و خانه نیز مورد توجه قرار گیرد .

در پایان خانم، دکتر آصفه آصفی ، با تشکر از شرکت خانمها و آقایان در بحث میزگرد و پیشنهادهای عملی که مطرح گردید و مورد تأیید همه حاضران قرار گرفت ، برای دانش آموزان موفقیت آرزو کردند .

از دانشکده خود چه انتظاری دارید

اقتدارم آنجا که بجای من ماگفته ام و بجای دانشکده ام دانشکده ها آورده ام اما فکر می کنم بادلانلی که ذکر کردم پر بیراه فرفته ام و عذرم بوجه است ، در این راه توقعات دراز و آرزوهای دور رازها کرده ام . دقت کردم آن را برگزینم که با توجه و دلسوزی و احساس مسئولیت بیشتر و در نظر گرفتن امکانات فعلی قابل دسترسی باشد - با تقدیم احترام و تشکر .. خدا نگهدار شما باد

مشخصات نویسنده

نام - مهدی

شهرت - چهل تنی

شغل - دانشجوی دانشگاه تهران - دانشکده علوم رشته فیزیک شبانه .

دارای همسر و فرزند که با اداره یک کارگاه صنعتی مخارج تحصیل همسر و فرزندانم را تأمین

می کنم .

متولد ۱۳۱۸ تهران .

نشانی تهران-خیابان ری-خیابان ادیب-خیابان امیرالملک کوی قربانی-نمره ۳۶-منزل چهل تنی.